

چند تامل در باب مسمومیت دانش‌آموزان!

علی ربیعی

دخیل کردن رسانه‌های مستقل و منتقد برای بحث و گفت‌وگو درباره بحران ضروری است

سه‌شنبه در دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه، داور پایان‌نامه‌ای در خصوص «استیگمای رسانه‌ای کارتن‌خواب‌ها» بودم. با متقاعد شدن یک بوی نامطبوع در سالن دفاع، جلسه برای لحظاتی مختل شد، تا اینکه از آبدارخانه خبر رسید که فن تهویه هوا دچار اشکال شده است. این وضعیت نمونه‌ای از شرایط روانی-اجتماعی جامعه در این روزهاست. پیرامون مساله مسمومیت دانش‌آموزان در مدارس، چند نکته قابل تامل است: این پدیده نشانگر وجود نوعی ناامنی روانی تسری یافته مزمین در جامعه است. پیش از این نیز شواهد زیادی از احساس ناامنی در جامعه وجود داشته است. پژوهش‌های صورت گرفته در قالب چند پایان‌نامه نیز نشان می‌دهد که احساس عدم امنیت - به دلایل متعدد - در مواقعی به مراتب بیش از شاخص‌های قابل اندازه‌گیری امنیت بوده است. تداوم این وضعیت در درازمدت، منجر به به هم خوردن تعادل روانی جامعه و آسیب‌پذیر شدن و کاهش مقاومت ذهنی نسبت به هر پدیده‌ای (درست یا غلط) شده است. این روزها گزاره و جمله‌ای را بسیار می‌شنویم که فارغ از جنسیت، قومیت و تفاوت نسلی بیان می‌شود: «حال ما خوب نیست!» بیان متعدد گزاره «حال من خوب نیست» نشان‌دهنده احساس جمعی ناخوشایند در جامعه است.

بخشی از این نگرش بی‌تردید حاصل احساس ناامنی مزمین شده در جامعه است. این ناامنی‌ها ناشی از پیش‌بینی‌ناپذیر بودن شرایط اقتصادی، تصور «امروز بهتر از فردا»، واهمه از کنترل‌های اجتماعی، عدم امنیت شغلی و مواردی از این قبیل است. شواهد رخ داده در جهان نشان می‌دهد مسیری که نظام‌های هوشمند اتخاذ می‌کنند، این است؛ باوقوع هر پدیده‌ای بلافاصله در قالب کمیته‌های اطمینان‌بخش، از کمک روانشناسان فردی و اجتماعی و همچنین جامعه‌شناسان و کارشناسان رسانه برای سیاست‌گذاری درست بهره می‌برند. ضروری بود تا در این

مورد مسوولان و رسانه ملي با تشكيل ميزگردهايي با حضور متخصصان مرتبط با دامنه اتفاق، از متخصصان عفوني و سم‌شناس گرفته تا جامعه‌شناس، روانشناس و حتي كارشناس امنيتي و متخصص در امور قضا و جزا، مشاركت داده شوند. هم‌جديت سيستم براي فهم مساله و هم‌جديت در برخورد با متخلفان از همان ساعات اوليه نشان داده شود.

فقدان چنين واكنشي در روزهاي اول و در مواجهه با حادثه مهسا اميني و چابهار بحران‌ساز شد. به نظر مي‌رسد چنين وضعيتي ناشي از دو امر؛ فقدان آمادگي ساختاري و دانشي و نيز ترديد در موضع‌گيري به علل موهوم-که به سندروم عدم پاسخگويي تبديل شده- باشد. تبیین دقیق‌تر این نارسايي نشانگر این است که:

۱- متاسفانه نظام اطلاع‌رسانی رسمي با عملکرد غيرپاسخگو در موارد متعدد و به‌طور متمادی باعث بي‌اعتمادی، عدم خوانش همراهانه و پذيرش پيام‌هاي رسمي توسط جامعه شده است. اتفاقاً کوچ مرجعیت رسانه‌اي نیز ناشی از این عدم پذیرش رخ داده است، به گونه‌اي که تمامیت ذهني جامعه که ارزش آن کمتر از تمامیت ارضي جامعه نیست، به راحتی می‌تواند از سوي هر جرياني نفوذپذیر شود. متاسفانه به علت ادراك نادرست از مفهوم امنيت، در مقابل پديده مهم «بي‌اعتمادسازي» نه تنها هیچ برنامه مشخص امنيت‌ساز وجود نداشته، بلکه با تداوم روش‌هاي اشتباه گذشته، خود زمينه‌ساز نفوذ بدخواهان را فراهم می‌سازند.

۲- بخشي از بي‌اعتمادی به اظهارات مقامات رسمي به دليل نقصان نظام اطلاع‌رسانی، بیان اظهارات متناقض، غيرشفاف با تاخیر بسيار و گاه همراه با کتمان حقایق به وجود آمده است. کافی است نگاهی کنید به اخبار و روند خبري چند ماه اخير، از مذاکرات برجام گرفته تا سياست‌هاي اقتصادي، ماجرای مهسا اميني و این بار بحث مسمومیت. در این میان اظهارات اخير رهبري و جنایت بزرگ و غيرقابل اغماض خواندن این ماجرا حایز اهمیت بود و تعجب‌برانگیز اینکه چرا پیش از این، مقامات دیگر با مواضعي شبیه به بیانات ایشان، اقدام به کاهش نگرانی جامعه و دور کردن اتهام نکردند.

۳- عدم برخورد با پديده‌هاي مشابه مثل اسیدپاشي‌هاي اصفهان، حمله به دوچرخه‌سواران دختر، به هم زدن غيرقانوني رویدادهای -حتي مجاز فرهنگي- حمله به برخي سفارتخانه‌ها و... روشن نشدن فرجام این پرونده‌ها، در مجموع سبب به وجود آمدن قضاوت عمومي و بي‌باوري نسبت به ساختارهاي رسمي شده است.

۴- به نظر مي‌رسد که سيستم ناتوان از تصميم‌گيري و واکنش به موقع شده است. این وضعیت از يك سو حکایت از ناتوانی سيستمي دارد که در يك جامعه ناآرام ذهني و معترض عاجز از واکنش می‌نماید و این عجز

به انباشت ابهامات مدام دامن زده است. از سوی دیگر خارجی‌ها سعی کرده‌اند به طرزی زیرکانه و سریع بر این اتفاق موج‌سواری کنند و با استفاده از واژه‌هایی نظیر حمله شیمیایی به دختران یا ساختن عکس‌هایی همسان با سریال چرنوبیل، پروژه مسموم کردن افکار عمومی را سوار بر مسمومیت دانش‌آموزان پیش برند.

در این مورد تشکیل کمیته‌های تخصصی با اعضای ترکیبی مورد اشاره در فوق و ایجاد زمینه نظارت و پیگیری مطبوعات و رسانه‌های آزاد - برخورد با خبرنگار رسانه‌ای در قم بدترین اقدام ناشیانه و منفي در این روند قلمداد می‌شود- می‌تواند علاوه بر افزایش احساس امنیت از نظام شبه‌زدایی کرده و هم‌الگویی برای موارد مشابه باشد.

هرچند من اطلاع دقیقی از ماجرای مسمومیت‌ها ندارم، اما بنا بر تجربه و دریافت داده‌های متفرقه، حجم و اندازه گزارشات و نگرانی‌ها بیش از واقعیت احتمالی صورت گرفته بوده که ناشی از هراس عمومی و بی‌اعتمادی گسترده است.

این موضوع با پیگیری‌های مداوم، اطلاع‌رسانی‌های به موقع و صحیح و دخیل کردن رسانه‌های مستقل و منتقد برای بحث و گفت‌وگو و از همه مهم‌تر بیان بی‌کم و کاست واقعیت هر چه بوده است، می‌تواند دستاوردی برای افزایش اعتماد عمومی را به همراه داشته باشد.

منبع: www.iranpress.com 20 آبان 1401